



تعلیم و تربیت در ایران

دکتر سید احمد هاشمی

دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران

آرمان رستمی تنگکی

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران

چکیده

آیین زردتشت یکی از عوامل مهم در اخلاق و تعلیم و تربیت مردم ایران در عهد باستان بود. زردتشت به نقش و اهمیت مادر در آموزش فرزندان توجه داشت. تعلیم و تربیت در دوره هخامنشیان در خانواده، آتشکده و آموزشگاه درباری صورت می گرفت. برنامه آموزش آموزشگاهها در ایران باستان شامل: ۱- پرورش اخلاقی و دینی ۲- تربیت بدنی ۳- تعلیم خواندن و نوشتن و حساب کردن بود. با انضمام ایران و قلمرو خلافت اسلامی دین اسلام به تدریج در کلیه شیون زندگی ایرانیان اثر گذاشت، مخصوصاً تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش رسمی، تقریباً یکسره ماهیت دینی پیدا کرد و ایرانیان نیز با گرویدن به اسلام مسجد را جایگاه پرستش خدا و مرکز تعلیم و آموزش قرار دادند. دانشمندان ایرانی از صدر اسلام تا تاسیس دارالفنون آثار ارزنده ای درباره موضوعات گوناگون پدید آوردند که در تکوین فلسفه و نظام آموزش و پرورش تاثیر بسزایی داشتند. مهم ترین این آثار عبارت اند از: قانون و شفا (ابن سینا)، چهار مقاله (نظامی عروضی)، قابوس نامه (عنصرالمعالی)، سیاست نامه (خواجه نظام الملک)، کیمیای سعادت (غزالی)، اخلاق ناصری (خواجه نصیر طوسی)، گلستان و بوستان (سعدی). آموزش و تعلیم و تربیت راه شناخت دقیق و اساسی جامعه می باشد و مراکز آموزشی نکات مهمی از تاریخ اجتماعی هر دوره را مشخص می سازد. آموزش در ایران باستان بر اساس مسائل اخلاقی و دینی بود و با ورود اسلام مسائل دینی و اخلاقی مورد توجه قرار گرفت و براساس مسائل دینی و گسترش مذهب تشیع، امور آموزشی تکیه بر مذهب تشیع و گسترش آن صورت می گرفت. انگیزه مذهبی سبب ایجاد مدارس زیادی در ایران گردید. مدرس و تسلط او بر علوم دینی سبب دوام آموزش بود و از آنجا که داشتن افتخار و عنوان برای رجال و اشراف یکی از دلایل فرا گرفتن علم در میان این طبقه می باشد تاهل و فرزندان یا مقام و حتی فقر مانعی در راه کسب علم آنها نمی شد و تعصبات ایرانیان به خارجی ها سبب عدم ارتباط علمی آنها گشته و این عامل آنها را از فراگیری علوم جدید محروم می نماید.

کلمات کلیدی: آموزش و پرورش، ایران باستان، اسلام، تربیت



مقدمه

آدم و حوا به احتمال قوی نخستین مریبان بوده‌اند و با پیدا شدن دو فرزندشان هابیل و قابیل کار تربیت خود را آغاز کردند ولی انضباط با هم زیستن وجود نداشت و نخستین نظام تربیتی به قتل انجامید (گلشنی فومنی، ص. ۳۴). در دوره اوستایی به دلیل آئین زردتشت و تعلیمات وی با مدنیتهی خاص روبرو هستیم (وکیلان، ص. ۶). آیین زردتشت یکی از عوامل مهم در اخلاق و تعلیم و تربیت مردم ایران در عهد باستان بود. زردتشت به نقش و اهمیت مادر در آموزش فرزندان توجه داشت. تعلیم و تربیت در دوره هخامنشیان در خانواده، آتشکده و آموزشگاه درباری صورت می‌گرفت. برنامه آموزش آموزشگاه‌ها در ایران باستان شامل: ۱- پرورش اخلاقی و دینی ۲- تربیت بدنی ۳- تعلیم خواندن و نوشتن و حساب کردن بود (فومنی، ص. ۷۹). دوران تحصیل از سال‌های ۵ تا ۷ سالگی آغاز می‌شد و تا ۱۴ تا ۱۵ سالگی ادامه می‌یافت (فومنی، ص. ۷۸) در تعلیم کودکان تفاوتی بین دختران و پسران وجود نداشت. در دوره‌های بعد تا ورود اسلام به همین صورت آموزش مورد توجه قرار گرفت و هدف مهم آموزش و پرورش این بود که افراد را عضو مفید جامعه بار آورند و به اخلاق نیک بیارایند، تربیت دینی برای کسب فضائل اخلاقی از مهم‌ترین بخش‌های برنامه تعلیماتی یک فرد بود (فومنی، ص. ۷۹). با وجود ویژه‌گی‌های مثبت و ارزنده‌ای که در آموزش و پرورش ایران باستان وجود داشت این نظام آموزشی تا اندازه‌ای از محدودیت‌ها یا بهتر است گفته شود از معایبی رنج می‌برد. از جمله این که تقریباً در انحصار طبقه اعیان و اشراف و شاهزاده‌گان بود و آموزش یافته‌گان تلاش داشتند دانش و معلومات خیش را از مردم عادی مخفی دارند. در آموزش و پرورش این دوره القاء عقیده و اندیشه حاکم بود. که فرمان‌برداری مطلق و اطاعت کورکورانه در برابر افراد صاحب قدرت و منصب بود. (لیمایی، ص. ۵۹)

با انضمام ایران و قلمرو خلافت اسلامی دین اسلام به تدریج در کلیه شیون زندگی ایرانیان اثر گذاشت، مخصوصاً تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش رسمی، تقریباً یکسره ماهیت دینی پیدا کرد و ایرانیان نیز با گرویدن به اسلام مسجد را جایگاه پرستش خدا و مرکز تعلیم و آموزش قرار دادند. در صدر اسلام رسول خدا (ص) تعلیمات خویش را بر اساس اوضاع اجتماعی با روش‌های خاصی انجام می‌داد مساجد، مکتب خانه، دارالعلم، نظامیه‌ها و رصدخانه‌ها کار آموزش و پرورش طرح ادوار اسلامی را به عهده داشتند البته در زمان مغولان، تیموریان



و در ادامه دوره صفویه بی گمان خانقاهها نیز کار آموزش و تعلیم و تربیت را انجام می دادند. (لیمایی، ص. ۱۴۳) در این دوره هدف دینی از اولویت و اعتبار بیش تری برخوردار است. با روی کار آمدن صفویان آثار فوق العاده ای در فرهنگ دینی و نفوذهای گسترده ای در زمینه آموزش به وجود آمد. تعلیم و تربیت و آموزش های دینی زمینه را برای گسترش آموزش مذهبی فراهم آورد، یاد دادن و یاد گرفتن صرفاً برای قرب به پروردگار بود. هدف از تربیت این بود که کودکان را معتقد به تشیع علاقه مبد به ائمه معصومین (ع) بار آورند. در این دوره ها چون ساختار قدرت مرد سالارانه و پدر شاهی است، تعلیم و تربیت دختران چندان مورد توجه نبود، و به دلیل پایبندی های خاص عقیدتی، مذهبی، اجتماعی که دست کم تا سده پیش مانعی کاملاً جدی در امر تربیت بانوان به شمار می آمد. و حتی امروزه نیز رگه هایی از آن دیده می شود، از جمله عواملی بود که اسباب جلوگیری از به مدرسه رفتن دختران و فرا گرفتن دانش توسط آنان را با مشکل مواجه می کرد آنچه روشن است در ایران عصر صفوی و تیموری نیز آموزش و پرورش دختران چندان مورد توجه نبود. با تمام این مزایا و معایب آموزش و پرورش در پیش از اسلام در ایران وجود داشته ولی به دلیل محدودیت های آموزش و پرورش و سخت گیری های غیر معقول مریبان بی توجهی به نیازهای متعلمان تأکید به حافظه در یادگیری و انتظارات غیر واقع از شاگردان سبب عقب ماندگی در دورانها گذشته بود که می توان به این عوامل اشاره کرد:

۱- انحصاری بودن آموزش و پرورش برای طبقه اعیان و اشراف و شاهزادگان و طبقات درگیر جامعه و محروم ماندن قسمت اعظم جمعیت کشور

۲- دورنگاه داشتن دانش اندوختگان و آموزش دیده ها از مردم عادی و جز به شکل معما برای افراد خاص

۳- در آموزش و پرورش روش القای عقیده و اندیشه حاکم بود که نتیجه اش فرمانبرداری مطلق و اطاعت کور کورانه در برابر افراد صاحب قدرت و منصب بود. (وکیلان، ص. ۳۴)

در ابتدای ظهور اسلام عدّه کمی در بین اعراب از مهارت نوشتن بهره داشتند و آنها نیز جزو قبیله قریش بودند. وقتی پیامبر در جنگ بدر بر قریش پیروز شد، برای آزادی اسیران سواد آموزی ۱۰ نفر را شرط آزادی قرار داد. قرآن و دین اسلام مشوق علم و ادب است و در هیچ کتابی به اندازه قرآن درباره علم و دانش سفارش نشده است. نوشته اند سفیان بن امیه و ابوالقیس عبدالمناف اولین بومیان مکه بودند که هنر خواندن و نوشتن را از آموزگار مسیحی خود به نام بشر بن عبدالملک آموختند و نخستین مردمی که در عربستان خواندن و نوشتن را آموختند، از مردم وادی القری بودند (شمیم، ص. ۲۴۸). مدت یک قرن بنی امیه دوران فترت و انحطاط مسلمین بود. در این



دوره، اغلب کتاب‌ها و نوشته‌های ادبی محو و نابود شدند. خط و زبان ایرانیان همان خط و زبان پهلوی بود. در زمان معاویه و خلفای بعد تا زمان عبدالملک، سکه‌ها به پهلوی بودند. در زمان عبدالملک مروان تمام دیوان‌ها و مسکوکات به خط عربی تبدیل شدند و این خط در تاریخ ایران رواج یافت. از قرن دوم هجری، با شروع خلافت عباسیان و اعمال نفوذ وزیران ایرانی مانند برامکه در امور مملکت‌داری، وضع مدارس و محافل علمی بهبود یافت. یکی از این مراکز بیت‌الحکمه بود که مامون عباسی در بغداد تاسیس کرد (وکیلان، ۱۳۷۰، ص. ۴۸-۵۴). در اثر دانش دوستی وزیران ایرانی و بذل مال فراوان در ترویج علم و ترجمه کتاب‌های پهلوی به عربی در فنون ادبی، اخلاقی، تاریخ مملکت‌داری و آداب معاشرت و منطق، آثار ارزشمندی ارائه شد و دانشمندان ایرانی و دیگران آثار طبی و فلسفی یونانی و هندوی را به عربی ترجمه کردند. به همین دلیل، این دوره از تاریخ اسلام را قرون طلایی اسلام نامیده‌اند (صدیق، ۱۳۶۶، ص ۱۰۳).

مکتب خانه‌ها و کیفیت تعلیم آن‌ها

مکتب خانه‌ها مراکز یا موسساتی بودند که برای تعلیم و تربیت و قرائت قرآن و آموختن و خواندن و نوشتن به وجود آمدند. مکتب را در زبان تازی کتاب می‌خوانند. دو نوع مکتب خانه وجود داشت:

- ۱- مکتب خانه‌های که در آن قرآن و مسائل دینی آموزش داده می‌شد.
- ۲- مکتب خانه‌های که خواندن و نوشتن را تعلیم می‌دادند. مکتب‌دار را معلم یا مودب یا ادیب می‌خواندند.

حقوق مکتب‌دار از دارمداوقاف مکتب تامین می‌شد. مواردی که در مکتب خانه‌ها تدریس می‌شد، علاوه بر قرآن و احادیث، گلستان سعدی، حافظ، مثنوی، نان و حلوا، شیخ بهایی، پند نامه عطار، موش و گربه عبید زاکانی، حلیه المتقین مجلسی و حسین کرد شبستری بود (یار شاطر، ۱۳۵۶، ص ۱۹۲).

مدارس اسلامی و شیوه‌های تدریس در آن‌ها

مدرسه تا سه قرن اول هجری وجود نداشت. در سال ۲۰۰ هجری قمری به فرمان مامون در شهر بغداد بیت الحکمه تاسیس شد که کتابخانه و رصدخانه داشت. کتاب‌های متعددی هم از منطق، نجوم، ریاضیات، طب، ادب و



سیاست یونان به پهلوی، هندی و سریانی به زبان عربی ترجمه شدند. نخستین مدرسه مستقل را ناصر کبیر، از داعیان علوی در آمل برپا کرد و در قرن چهارم چند مدرسه در نیشابور و سبزوار تاسیس شد که مهم ترین آن ها مدرسه بیهقیه و سعدیه بودند (صفا، ص. ۱۴).

روش های تدریس نیز در مدارس اسلامی به طور اعم عبارت بودند از:

۱- سماع: به معنی شنیدن که استاد خارج از کتاب یا از حفظ مطلبی را برای کلاس ارائه می کرد و دانشجویان گوش می دادند.

۲- املا: دانشجویان از روی کتاب یا آنچه استاد از درس نوشته بود از حفظ به استاد عرضه می کردند که در اصطلاح عرض نیز نامیده می شد.

۳- اجازه: یا گواهی که به شخص اجازه می داده تا به استناد استاد کتابی یا بخشی معین از کتابی را روایت کند.

۴- وجاده: پذیرفتن یا گرفتن مطلبی یا متنی که کسی در کتاب ها یا یادداشت هایش از دیگران خوانده بود بدون داشتن گواهی یا اجازه یا کسب سماع.

۵- رحله: دانشجویان از یک مرکز آموزشی به کانون دیگری سفر و آگهی کسب می کردند.

وسایل تحصیل در مدارس نیز عبارت بودند از: حفظ که بر حافظه تکیه داشت و روایت، درایه، سوال و مناقشه، مناظره و مذاکره (غنچه، ۱۳۶۹، ص ۲۴۷-۲۷۶).

دیدگاه مستشرقین درباره دانش پژوهی ایرانیان

شاردن می گوید: «در دوره ورود اسلام و حکومت های اسلامی صنعتگران و کارگران و حتی اهالی روستاها هم کتاب های فلسفی و ادبی می خوانند و در کسب علم کوشا هستند. این نکته خود نمایان می کند که بسیاری از افراد در عین حالی که درس می دهند درس نیز فرا می گیرند یعنی در یک زمان هم استاند و شاگرد. نام طالب علم در میان مردم محترم است، اشراف و اعیان و رجال به داشتن این عنوان افتخار می کنند (شاردن، ص. ۱۷). کمپفر می گوید: «کار تدریس نزد ایرانیان احترام بسیار دارد و کسانی که تعداد بیشتری از طلاب به گرد خود جمع آورند به سرعت شهرت و حیثیت بسیاری کسب می کند (کمپفر، ص. ۴۱). از نظر شاردن ایرانیان در قسمت علم و دانش



کاملاً کامیاب گشته‌اند، چنانچه می‌گویند پس از اروپائیان مسیحی دانشمندترین مردم جهان حتی برتر از چینیان می‌باشند ایرانیان در عصر صفوی چون همه دوران‌ها صاحب اندیشه لطیف و دقیق و با هوش هستند، ضمناً سریع انتقال نیز می‌باشند، به علم علاقه‌مند هستند و طالبان علم را دوست می‌دارند و به آنان احترام می‌گذارند و در مطالعات علمی خود هر گونه استدلال را می‌پذیرند و در تحقیق خود همیشه عمیق و دقیق هستند (شاردن، ص. ۵۸).

تاورنیه می‌گوید تعصبات ایرانیان نسبت به خارجی‌ها گاهی سبب گشته آن‌ها نتوانند با اروپائیان در زمین علم ارتباط برقرار و از آن‌ها چیزهای جدید فرا گیرند، برای مثال بیان می‌دارد وقتی وزیر شیراز پا درد سختی داشت من جراح خود را همراه بردم که او را معاینه نماید، وزیر شیراز گفت: اگر من بی پا شوم بهتر است از اینکه دست فرنگی به پایم برسد (تاورنیه، ص. ۵۹). سیاحت نامه شاردن در عین حالی که خبر از آگاهی ایرانیان در خصوص علوم باستانی می‌دهد به محرومیت ایرانیان از اکتشافات جدید نیز اشاره دارد. از اظهار نظر او چنین بر می‌آید که گویا تواضع علمی که به نوعی بیانگر کمبودهای علمی و فکر باشد در بین علمای ایرانی وجود ندارد (شاردن، ص. ۵۷) به این مفهوم که علما و دانشمندان ایرانی در مقابل علمای کشورهای غربی برتر می‌نمایند ولی قسمتی از علم خود را مخفی نگه می‌دارند تا بتوانند غرور علمی خود را حفظ نمایند. شاردن نگرش ایرانیان را در باره علوم دیگر از دلایل عدم پیشرفت آن‌ها دانسته و می‌گوید ایرانیان معتقدند علم مثل زنجیری به هم پیوسته‌اند به همین دلیل آموختن تمام علوم را واجب می‌دانند و شاید یکی از علل عدم پیشرفت آن‌ها در رشته‌های گوناگون علوم نیز همین طرز فکر باشد (شاردن، ص. ۶۰).

تاورنیه می‌گوید: ایرانیان فرزندان خود را هرگز قبل از اینکه ۱۸ یا ۲۰ ساله شوند از خانه جز برای شکار و تیراندازی، چوگان بازی بیرون نمی‌برند به همین جهت این اطفال هنگامی که بزرگ می‌شوند، عاقل و با تربیت و درستکار بار می‌آیند و هرگز حرف زشت از دهانشان بیرون نمی‌آید زیرا با ارادل معاشرت و آمیزش نکرده‌اند (تاورنیه، ص. ۵۹۳). گفتنی است که در پرورش کودکان عامه نیز مراقبت‌های لازم بعمل می‌آمد، و به گفته شارون «هرگز آن‌ها را در کوه و برزن نمی‌گذاشتند و از افراط در بازی، جنگ و مخاصمت و آموزش فنون شیطنت منع آنان می‌کردند (شاردن، ص. ۵۴). سانسون راجع به تربیت و آموزش ولیعهد و شاهزادگان می‌گوید: « که خواجه های حرم این وظیفه را بر عهده دارند» کسی که شاهزادگان را اداره می‌کند یک خواجه سرا است. معلمان و مربیان شاهزادگان را از خواجهگان حرم انتخاب می‌کنند» (سانسون، ص. ۱۱۷) و این خواجهگان چون عمدتاً از



غلامان زرخرد و فاقد خانواده و خویشاوند بودند از همان ابتدا، برای این کار تربیت می شدند و حاضر به انجام هر کاری می بودند و به همین جهت مورد اعتماد نیز قرار می گرفتند (سانسون، ص. ۱۱۹).

عوامل تاثیرگذار بر نظام آموزش و پرورش از صدر اسلام تا تاسیس دارالفنون

این عوامل را می توان آمیزه ای از میراث کهن ایران باستان و فرهنگ اسلامی دانست: انتقال فرهنگ کهن به مسلمانان، آثار دانشمندان، حکومت ها و رخدادهای تاریخی.

الف - انتقال فرهنگ کهن به مسلمانان: در آن برهه از تاریخ ایران، علاوه بر تحولات ناشی از اسلام، عواملی نیز باعث بهره گیری از فرهنگ همسایگان و سایر ملل متمدن و غنای فرهنگ ایران شد که عبارت بودند از:

۱- پیروزی اسکندر و جانشینان او و رواج فرهنگ یونان بر ایران.

۲- نقل مکان نسطوریان به امپراطوری ایران و جهان عرب. این فرقه میراث دانش یونانی هلنی به ویژه در زمینه های فلسفی، پزشکی، ریاضیات و نجوم را به ایران آوردند و در حفظ و نگهداری آن ها کوشیدند. این میراث را بعدها مسلمانان به محققان قرون وسطا در اروپا منتقل کردند.

۳- دانشگاه جندی شاپور که برنامه های آن با دانشگاه اسکندریه مطابقت داشت، در قرن ۶ میلادی آموخته هندی، یونانی، سریانی، هلنی و عبری را در هم آمیخت (فرای، ۱۳۴۶، ص. ۱۴۲).

۴- تحقیقات و آثار غیر مسلمانان

ب- آثار دانشمندان

دانشمندان ایرانی از صدر اسلام تا تاسیس دارالفنون آثار ارزنده ای درباره موضوعات گوناگون پدید آوردند که در تکوین فلسفه و نظام آموزش و پرورش تاثیر بسزایی داشتند. مهم ترین این آثار عبارت اند از: قانون و شفا (ابن سینا)، چهار مقاله (نظامی عروضی)، قابوس نامه (عنصرالمعالی)، سیاست نامه (خواجه نظام الملک)، کیمیای سعادت (غزالی)، اخلاق ناصری (خواجه نصیر طوسی)، گلستان و بوستان (سعدی).

ج- حکومت ها و رخدادهای تاریخی



تأسیس دارالفنون

نظام رسمی آموزش و پرورش در ایران با تأسیس مدرسه دارالفنون آغاز شد. سنگ بنای این مدرسه با همت امیرکبیر در سال ۱۲۶۶ ه ق در محل کنونی دبیرستان امیرکبیر واقع در خیابان ناصرخسرو تهران نهاده شد. دارالفنون در ۱۲۶۸ ه ق گشایش یافت اما هنگام افتتاح آن امیرکبیر به کاشان تبعید شده بود. مدرسه مذکور با حضور ناصرالدین شاه و میرزا آقاخان نوری صدراعظم و وزیران و اهل فضل و معلمان ایرانی و اروپایی افتتاح شد و در هر رشته گروهی به تحصیل علوم جدید مشغول شدند. در این مدرسه رشته های، پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، مهندسی، پزشکی، جراحی، داروسازی و معدن وجود داشت. در تمام رشته ها زبان فرانسه، علوم طبیعی و ریاضی و تاریخ و جغرافیا تدریس می شدند (آدمیت، ۱۳۴۸، ص. ۴۲).

در طول تاریخ، این نخستین بار بود که دولت به طور مستقیم مدرسه تأسیس کرده و بطور رسمی اداره آن را بر عهده گرفته بود. به همین دلیل، تاریخ گشایش دارالفنون مبدأ تحول جدید در آموزش و پرورش ایران است. از آنجا که معلمان دارالفنون از کشورهای اروپایی به خدمت گرفته شده بودند، با ورود آنها فرهنگ جدید مغرب زمین به ایران وارد شد. تحصیل در این مدرسه رایگان بود. دانش آموزان که تعداد آنها در بدو تأسیس صد نفر بود، لباس واحد می پوشیدند، در مدرسه تغذیه می شدند و کمک هزینه تحصیلی دریافت می کردند. مطالب درسی هم به صورت کتاب تألیف می شدند و در چاپخانه مدرسه به چاپ می رسیدند (همان، ص. ۵۷). اولین رییس دارالفنون میرزا محمدعلی خان شیرازی - وزیر امور خارجه - و سپس عزیز خان مکرری - سردار کل - بود. سپس رضا قلی خان هدایت ریاست آن را برعهده گرفت. در سال ۱۲۷۴ ه. ق علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه به ریاست دارالفنون برگزیده شد. وی یک سال بعد نیز به عنوان نخستین وزیر علوم به این سمت منصوب شد (شمیم، ۱۳۴۳، ص. ۲۲۱).



نتیجه گیری

آموزش و تعلیم و تربیت راه شناخت دقیق و اساسی جامعه می باشد و مراکز آموزشی نکات مهمی از تاریخ اجتماعی هر دوره را مشخص می سازد. آموزش در ایران باستان بر اساس مسائل اخلاقی و دینی بود و با ورود اسلام مسائل دینی و اخلاقی مورد توجه قرار گرفت و براساس مسائل دینی و گسترش مذهب تشیع، امور آموزشی تکیه بر مذهب تشیع و گسترش آن صورت می گرفت. انگیزه مذهبی سبب ایجاد مدارس زیادی در ایران گردید. مدرس و تسلط او بر علوم دینی سبب دوام آموزش بود و از آنجا که داشتن افتخار و عنوان برای رجال و اشراف یکی از دلایل فرا گرفتن علم در میان این طبقه می باشد تاهل و فرزندان یا مقام و حتی فقر مانعی در راه کسب علم آن ها نمی شد و تعصبات ایرانیان به خارجی ها سبب عدم ارتباط علمی آن ها گشته و این عامل آن ها را از فراگیری علوم جدید محروم می نماید. عدم شناخت صنعت چاپ و کمبود کتب دور نگاه داشتن دانش اندوختگان آموزش دیده ها و فرمان برداری مطلق و اطلاعات کورکورانه در برابر افراد صاحب قدرت و منصب از دلایلی بود که سفرنامه نویسان در زمینه عدم پیشرفت ایرانیان را ذکر نموده اند.

منابع

- آدمیت، فریدون. ۱۳۴۸. امیرکبیر و ایران. خوارزمی، تهران
- تاورنیه، ژان باتیست، ۱۳۶۹. سفرنامه تاورنیه، تهران کتابخانه سینایی
- سانسون، مارتیس، ۱۳۶۴. سفرنامه سانسون (وضع کشور شاه هنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی). انتشارات تهران زیبا
- شاردن، ژان، ۱۳۷۴. سیاحت نامه شاردن، انتشارات تهران امیرکبیر
- شمیم، علی اصغر، ۱۳۴۳. ایران دوره سلطنت قاجار. ابن سینا، تهران
- صدیق، عیسی، ۱۳۳۶. تاریخ فرهنگ ایران. دانشگاه تهران. تهران
- فرای، ریچارد، ۱۳۴۶. میراث باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب نیا. بنگاه ترجمه. تهران
- کمپفر، انگبرت، ۱۳۵۰. سفرنامه کمپفر در ایران، تهران انتشارات خوارزمی
- گلشن فومنی، محمد رسول، ۱۳۷۸. جامعه شناسی آموزش و پرورش
- نعمتی لیمایی، امیر، ۱۳۸۵. تاریخ آموزش و پرورش در روزگار فرمانروایان مغول ان و تیموریان، انتشارات امید مهر

نخستین همایش بین المللی مدیران و رهبران نوآور

سازمان های سرآمد

بوشهر - بهمن ماه ۱۳۹۵

The First International
Conference of Innovative Managers and Leaders in
Excellent Organizations



مؤسسه راه پهلروزی

وکیلان، منوچهر، ۱۳۸۱. تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، انتشارات پیام نور.

یارشاطر، احسان، ۱۳۵۷. زبان و لهجه های ایرانی. بنگاه ترجمه. تهران

هاشمی، سیداحمد-شهناز، دهقان باغ بردانی-نوروزی، مهدی، ۱۳۹۶. مبانی فلسفی آموزش و پرورش در ایران، انتشارات

پارلاق قلم

هاشمی، سیداحمد-امیدی، جمشید-اکبری، پروین، ۱۳۹۶. فلسفه ی آموزش و پرورش، انتشارات تایماز

www.rahebehrouzi.ir